

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۴

موضوع: لزوم اجتناب از «دروغ»، حتی دروغ کوچک و به شوخی!

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

الهی با توکل بر اسماء حسناى تو، خدایا شکر. الحمدلله که به ما نفس، انرژی و توفیق دادی که بازهم حیات داشته باشیم و روبروی لنز دوربین‌های «شبکه جهانی ولایت» بنشینیم و با شما گفتگو کنیم.

ایرانیان عزیز در داخل و خارج از کشور، فارسی زبانانی که در هرکجای این کره خاکی و آبی صدای ما را می‌شنوید و تصویر ما را می‌بینید با برنامه زنده «اخلاق علوی» در خدمت شما هستیم.

در شبی که آقای علی اسماعیلی حضور ندارند من مفتخر هستم که با شما باشم و یک دوره‌می شبانه و صمیمی داشته باشیم، و اخلاق علوی، آموزه‌ها و گزاره‌های آن را یاد بگیریم.

مفتخریم در استودیو در خدمت چهره و صدای آشنای استاد عزیز و محقق ارجمند، مؤلف و پژوهشگر آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. استاد سلام عرض می‌کنم، شب شما بخیر، خیلی خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته؛ بنده هم خدمت همه بينندگان عزيز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بيننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و آرزوی موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان دارم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا له الفداء) را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و باوفا و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم به احترام حضرت صدیقه طاهره دغدغه‌های فکری ما را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده نموده و دعاهاى ما را به اجابت مقرون کند؛ ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله؛ از شما سپاسگذارم. آقایان، خانم‌ها و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) شبتان بخیر باشد. به هرکسی با هر دین و آئینی که الآن برنامه را تماشا می‌فرمایند خوش آمد می‌گویم و امیدوارم فرصت همراهی با ما را داشته باشید.

ما می‌خواهیم برنامه «اخلاق علوی» را بیمه کنیم و چون شب جمعه هست یادی کنیم از همه رفتگان، شهدا، علما، کسانی که راویان حدیث بودند و کسانی که روایات را سینه به سینه نقل کردند تا سنت رسول گرامی اسلام و اهل بیت به دست ما برسد.

من یک شعر دو بیتی می‌خوانم؛ شما هم نیت کنید و با من برای شادی ارواح طیبه شهدا، اهل بیت عصمت و طهارت و همه کسانی که رفتند از جمله پدر و مادرهایی که در بین ما نیستند، صلوات بفرستید.

خورشید چراغکی ز رخسار علیست

مه نقطه کوچکی ز پرگار علیست

هرکس که فرستد به محمد صلوات

همسایه دیوار به دیوار علیست

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

با نورانیت این صلوات برنامه اخلاق علوی را آغاز می‌کنیم. اگر هفته‌های گذشته برنامه «اخلاق علوی» را دنبال کرده باشید می‌دانید که هدف از این برنامه این است که بتوانیم زندگی، رفتار، گفتار و تصمیم‌گیری‌ها خود را بسنجیم و با خط کش اخلاق علوی تنظیم کنیم.

امید است بتوانیم اخلاق و رفتار خود را با اخلاق علوی تنظیم کنیم و یکی یکی گزاره‌ها را یاد بگیریم. بحث هفته گذشته به مقوله‌ای با نام «دروغگویی» رسید؛ پدیده‌ای غیر ارزشی و ناهنجاری که می‌تواند عوارض بسیار بدی داشته باشد.

ما می‌خواهیم دروغگویی را در اخلاق علوی و بیان و گفتار حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بسنجیم. استاد عزیز اگر لطف کنید خلاصه‌ای بفرمایید برای کسانی که شاید این مطالب را نشنیدند و مباحث را دنبال نکردند تا ان شاء الله وارد بحث شویم.

یاوه سرائی های «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا

قبل از آنکه سؤال عزیزم را پاسخ بدهم لازم می‌دانم به یکی از قضایایی که همین هفته اتفاق افتاد اشاره کنم.

پسر «ملک سلمان» به نام «محمد بن سلمان» که مرکز شرارت در منطقه است، در مصاحبه‌ای با یکی از شبکه‌های غربی مباحثی را در رابطه با ایران و عقاید شیعه مطرح کرده است.

البته شبکه ما سیاسی نیست و خود ما هم سیاسی نیستیم، اما لازم می‌دانیم از کیان شیعه دفاع کنیم.

نکته اول که ایشان در صحبت‌هایش در مورد ایران می‌گوید: "منطق ایران این است که مهدی منتظر خواهد آمد. باید محیط را برای رسیدن مهدی مهیا کرد و باید بر جهان اسلام مسلط شد."

ظهور حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) مسئله‌ای قطعی، فرامذهبی و فرادینی است. قطعیت آن تا جایی است که حتی «بن باز» به صراحت می‌گوید: "آمدن مهدی قطعی است." همچنین «ابن تیمیه» می‌گوید: "ظهور حضرت مهدی قطعی است و شکی در آن نیست."

شیعه و اهل سنت همگی منتظر ظهور حضرت مهدی هستند؛ حال شیعه معتقد است که آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده و بیش از ۲۵۰ نفر از علمای اهل سنت بر این عقیده هستند. ما این مطالب را مفصل بیان کردیم و در نیمه شعبان هم باز تکرار خواهیم کرد.

بعضی از اهل سنت معتقدند که حضرت مهدی به دنیا نیامده یا اگر به دنیا آمده است ما خبر نداریم.

بنده گمان می‌کنم آماده کردن جهان برای آمدن حضرت مهدی مسئله‌ای است که هر عاقلی بر این مطلب صحه می‌گذارد. حتی اگر از دیوانگان در تیمارستان هم سؤال کنند این مسئله را قبول دارند.

دولت سعودی که بر پایه جنایت و خیانت به کشور خودش و کشورهای اسلامی متهم است، اساس تفکرشان تکفیر مسلمانان و کشتن مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است لذا از آمدن حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) وحشت دارند.

این افراد ماهیت پلید خودشان را به نوعی نشان دادند و ما هم خوشحال هستیم. دنیا باید بداند که همه منتظر آمدن حضرت مهدی هستند، همه می‌خواهند دنیا برای آمدن حضرت مهدی آماده شود.

اگر دولت سعودی از ظهور حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) وحشت دارند، به این خاطر است که می‌دانند با آمدن حضرت مهدی بساط حکومت مبتنی بر ستم و ظلم و جورشان برچیده خواهد شد و به همین خاطر آن‌ها دلهره دارند.

نکته دوم که «محمد بن سلمان» در صحبت‌های خود به آن اشاره کرد، این است: "کشورش هدف ایران است و تهران قصد رسیدن به مکه را دارد. ما می‌دانیم هدف اصلی رژیم ایران هستیم. رسیدن به قبله مسلمانان هدف اصلی رژیم ایران است."

اینکه باید مکه در اختیار همه مسلمانان قرار بگیرد امری است که هر مسلمانی آرزوی آن را دارد. همچنین هیچ شکی نیست در اینکه الآن دولت آل سعود غاصب حرمین هستند.

این ادعا که ایران می‌خواهد به تنهایی مکه و مدینه را اداره کند تا به حال هیچ شخصیتی در طول ۳۸ سال و حتی قبل از آن هم بیان نکرده است.

هیچکسی تا به حال چنین ادعا نکرده است که ما می‌خواهیم مکه را تصرف کنیم و بر حرمین حکومت کنیم. این در حالی است که امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) بارها گفتند: "اداره حرمین شریفین باید به دست مسلمانان باشد، نه اینکه تنها به دست ایران باشد."

این افترا، همانند میلیون‌ها افترای است که دولت سعودی به مسلمانان در طول هشتصد سال بسته‌اند.

نکته سوم که «محمد بن سلمان» به آن اشاره کرد این است: "ما منتظر نخواهیم شد جنگ در عربستان در

بگیرد، بلکه تلاش خواهیم کرد جنگ نزد خودشان در ایران باشد؛ نه در عربستان!!"

ما در جواب او می‌گوییم:

شتر در خواب بیند پنبه دانه

گهی لپ لپ خورد گه دانه دانه

انشاءالله دولت سعودی آرزوی کشاندن جنگ به داخل ایران را به گور خواهد برد، اما من به این افراد و

طرفداران عربستان سعودی در داخل و خارج از کشور که دارند برای عربستان سینه چاک می‌کنند، می‌گوییم:

"مقام معظم رهبری و بسیاری از بزرگان گفتند: که اگر ما در سوریه نجنگیم، مجبوریم در کرمانشاه و همدان

بجنگیم."

کاملاً مشخص است جنایاتی که آل سعود در سوریه و عراق انجام می‌دهند به خاطر این است که هدفشان ایران

بوده است، نه عراق و سوریه!!

علاوه بر این من به این افراد می‌گوییم: شما خودتان که عددی نیستید، حتی ارباب بزرگتان هم هیچ غلطی

نتوانست انجام دهد؛ همچنان که وقتی افراد او را در آب‌های خلیج فارس دستگیر کردند و آن‌ها خودشان را

آلوده کردند اربابان دولت سعودی هیچ غلطی نکردند!!

پدربزرگ دولت سعودی یعنی آمریکا و مادربزرگ دولت سعودی یعنی انگلیس هیچ غلطی نتوانستند انجام

دهند و به التماس، تضرع و زاری افتادند که تفنگداران او را آزاد کنیم.

همان افرادی که توانستند تفنگداران آمریکایی را با تمام تجهیزات و امکانات دستگیر کنند که کار به افتضاح برسد، اگر مراجع عظام تقلید و رهبری دستور بدهد «محمد بن سلمان» و پدرش را داخل گونی به میدان آزادی می‌آورند و به نمایش می‌گذارند.

همان‌طور که سیاستمدار آمریکایی به پدر «محمد بن سلمان» گفته بود که اگر ایران بخواهد به عربستان حمله کند در عرض یک ساعت تمام بساط شما را بر هم می‌چیند؛ به طوری که شما حتی فرصت پیدا نمی‌کنید تلفن بردارید به ما زنگ بزنید و از ما کمک بخواهید.

این افراد همانند پشه‌ای هستند که وقتی روی درخت نشسته بودند، گفتند: ای درخت مواظب باش که وقتی می‌خواهم از روی تو بلند شوم از ریشه بیرون نیایی. درخت در جواب گفت: من اصلاً نفهمیدم چه زمانی نشستی، حال که من بخواهم از بلند شدن احساس خطر کنم.

عرض کردم ما سیاسی نیستیم؛ اما ایران در طول این مدت نه به همسایگان تجاوز کرده است و نه تصور کشورگشایی داشته است و همواره اقتدار خود را به رخ جهانیان کشانیده است.

این دولت سعودی است که با تأسیس طالبان، افغانستان و پاکستان را به خاک و خون کشانده است و ناامنی ایجاد کرده است. این دولت سعودی است که با تأسیس داعش عراق و سوریه را به خاک و خون کشاندند.

در حال حاضر دولت سعودی حدود یک سال و نیم است که در یمن سرگرم جنایت، نسل‌کشی و کودک‌کشی است. شما با یمن که دست دولت این کشور خالی است هیچ غلطی نتوانستید کنید؛ حال ادعا می‌کنید که ما می‌خواهیم جنگ را به داخل ایران می‌کشانیم!!

این افراد به اندازه دهان خود باید حرف بزنند، نه فراتر از آنچه هستند. «محمد بن سلمان» و پدرش حتی لیاقت جفت کردن کفش سیاستمداران ایرانی را هم ندارند؛ عاقلان این را می‌دانند.

ان شاء الله عزیزان شیعه و اهل سنت ما بیدار باشند، به این مسائل دقت کنند و فریب یاهوسرایی‌های این وهابیان را نخورند. این وهابیان هیچکسی غیر از خودشان را مسلمان نمی‌دانند و تنها خودشان را مسلمان می‌دانند.

به تعبیر یکی از اساتید بزرگ و مفتیان مصر کسی در کره زمین نمانده که وهابیان آن را تکفیر نکرده باشند!!

الحمد لله رب العالمین مادامی که وحدت میان شیعه و سنی، قبایل مختلف و اقوام مختلف در ایران است دشمنان ایران هیچ غلطی نمی‌توانند کنند.

الحمد لله رب العالمین امنیتی که ما امروز در داخل کشور احساس می‌کنیم در هیچ کجای کره زمین وجود ندارد که این هم به برکت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

من بارها گفتم شاید ما ده برابر کسانی که مخالف نظام هستند انتقاد داشته باشیم، اما انتقاد یک بحث است و اینکه انسان بخواهد همه چیز را نفی کند چیز دیگری است.

ایران با تمام عیب‌ها، نقایص و مشکلات مادامی که در آن صدای «یا حسین» و عزاداری برای ایام محرم و صفر از رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر می‌شود و در ایام فاطمیه صدای مظلومیت حضرت فاطمه زهرا به گوش جهانیان می‌رسد؛ این کشور بیمه است.

کشور ایران بیمه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و فرزند بزرگوارش حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) است و اگر کسی بخواهد نگاه چپ به ایران بیندازد اهل بیت عصمت و طهارت چشم او را کور خواهند کرد.

خلاصه ای از مطالب جلسه گذشته:

در رابطه با سؤال حضرتعالی همان طور که اشاره فرمودید ما در دو جلسه گذشته در رابطه با دروغ و دروغگویی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مطالبی را بیان کردیم.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) افتخار، تاج سر، نور چشم، زندگی، دنیا و آخرت و بهشت شیعیان است. بدون دیدن جمال نورانی امیرالمؤمنین بهشت از جهنم بدتر خواهد بود.

امیرالمؤمنین برای اهل سنت به عنوان خلیفه چهارم، صحابی پیغمبر اکرم، اولین کسی که اسلام آورد و ایمان آورد محترم است. ان شاءالله سخنان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آویزه گوش همه بینندگان عزیز و گرامی خواهد شد.

ما ضمن بحثهایی که مطرح کردیم اساسیترین بحثی که در جلسات گذشته بیان کردیم این بود که امیرالمؤمنین فرمودند: دروغ کلید تمام گناهان است. تمام خبائث در خانه‌ای قرار گرفته که دروغ در آن خانه است.

زمانی که دروغ در زندگی انسان وارد شود، به تبع آن دیگر گناهان هم در زندگی انسان وارد می‌شود. اگر دروغ از زندگی انسان برچیده شود، به تبع آن بسیاری از گناهان برچیده خواهد شد.

روایتی از «فقه الرضا» نقل شده است که مرحوم «نوری» در کتاب «مستدرک» جلد ۹ صفحه ۸۷ مطرح می‌کند شخصی نزد رسول گرامی اسلام می‌رسد و عرضه می‌دارد:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

یا رسول الله! اخلاق پسندیده‌ای را به من بیاموز که تمام خیر دنیا و آخرت را دارا باشد.

«فَقَالَ لَا تَكْذِبُ»

پیغمبر اکرم فرمودند: دروغ نگو.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة

آل البيت عليهم السلام، ج ۹، ص ۸۷، ح ۱۰۲۹۳

مرد رفت درحالی که به هر فکر نادرستی می‌خواست دست بزند به خاطر ترس از دروغگویی و عواقب راست گفتن، آن را ترک کرد. شخص به قصد دزدی و فحشا رفت، اما به خاطر ترس از دروغ گفتن و عواقب راست گفتن، آن اعمال را ترک کرد و برگشت.

ما در ادامه آثار شوم دروغ را بیان کردیم که در نهایت آقای اسماعیلی هفت مورد را دسته بندی کردند و به صورت سرانگشتی آن را نام بردند.

اولین اثر شوم دروغ گفتن از دیدگاه امیرالمؤمنین این است که دروغ با ایمان منافات دارد. از رسول اکرم سؤال می‌کنند: یا رسول الله! آیا مؤمن زنا می‌کند؟! پیغمبر اکرم می‌فرماید: شاید شیطان او را گول بزند.

بازهم از ایشان سؤال می‌کنند: یا رسول الله! آیا مؤمن دزدی می‌کند؟! پیغمبر اکرم فرمودند: شاید شیطان او را گول بزند.

«فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ هَلْ يَكْذِبُ الْمُؤْمِنُ»

مرد پرسید: یا رسول الله! آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟!

«قَالَ لَا تُمْ أَنْبَعَهَا رَسُولُ اللَّهِ»

پیغمبر اکرم فرمودند: مؤمن مرتکب دروغ نمی‌شود.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۱، ص ۱۱۴، باب الکذب

پس یکی از آثار دروغ از دیدگاه امیرالمؤمنین این است که دروغ نابود کننده ایمان است و با ایمان همخوانی ندارد.

دومین اثر شوم دروغ گفتن این است که دروغ عامل دوری ملائکه از انسان است. زمانی که دروغ از زبان انسان بیرون می آید ملائکه به خاطر بوی بد دروغ مؤمن فرسنگ‌ها از او دور می‌شوند.

سومین اثر شوم دروغ گفتن این است که انسان از روزی خداوند محروم می‌شود. دروغ گفتن روزی انسان را کم می‌کند و انسان را به فقر مبتلا می‌کند.

چهارمین اثر شوم دروغ گفتن این است که دروغ گفتن انسان را کم حافظه می‌کند. ائمه طاهرين (علیهم السلام) می‌فرماید: دروغگو کم حافظه است!!

پنجمین اثر شوم دروغ گفتن این است مردم از او سلب اعتماد می‌کنند و حرف‌های راست او را هم قبول نمی‌کنند.

ششمین اثر شوم دروغ گفتن به فرمایش امیرالمؤمنین این است که این شخص در آتش جهنم است.

هفتمین اثر شوم دروغ گفتن این است که شیطان محتاج دروغ شخص دروغگو می‌شود. به عبارت دیگر شخص دروغگو به مرحله‌ای می‌رسد که استادی شیطان را می‌پذیرد.

ما این هفت مورد را در جلسه گذشته به طور مفصل توضیح دادیم؛ اما باز هم این موارد را به اختصار بیان می‌کنم.

دروغ نابود کننده ایمان است، دروغ عامل دوری ملائکه از انسان است، دروغ عامل محرومیت روزی انسان است، دروغ حافظه را کم می‌کند، دروغگو میان مردم بی‌اعتماد است، دروغگو در آتش جهنم گرفتار است، دروغگو استاد شیطان است!!

این مطالب خلاصه مباحثی بود که در هفته گذشته پیرامون دروغ و دروغگویی از دیدگاه امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) بیان کردیم.

ما در پایان گفتیم یکی از ویژگی‌هایی که امیرالمؤمنین در روایات متعدد آن را بیان فرموده این است که دروغ شعبه‌ای از نفاق است. نفاق به معنای دورویی است؛ زمانی که انسان دروغ می‌گوید برخلاف باطن صحبت می‌کند. چنین شخصی ظاهر و باطنی متضاد از هم دارد.

این مطالب خلاصه مباحثی بود که ما در جلسه گذشته بیان کردیم.

مجری:

از استاد قزوینی عزیز و شما بیننده‌های محترم، دوست داشتنی و گرامی سپاسگذارم. عزیزانی که به جمع ما اضافه شدید باید بگوییم که ما تا ساعت ۱۰:۳۰ رسمی به وقت تهران در خدمت شما خواهیم بود.

این برنامه «اخلاق علوی» است که از «شبکه جهانی ولایت» در شامگاه جمعه با شما هستیم. سری به اتاق فرمان می‌زنیم و بازهم برمی‌گردیم.

مردم عزیز، دوست‌داران اهل بیت عصمت و طهارت و همه کسانی که با ما همراه هستید و افتخار داریم صمیمانه و با کمال ادب و احترام در برنامه «اخلاق علوی» در خدمت شما باشیم شبتان بخیر باشد.

همان‌طور که استاد فرمودند «علی» متعلق به اسلام و شیعه نیست. «علی» صدای عدالت انسانیت است، «علی» کسی است که غیر مسلمانان ده‌ها جلد کتاب راجع به آن بزرگوار می‌نویسند.

ما باید از چنین شخصیت بزرگواری مکارم اخلاقی را یاد بگیریم و زندگی، رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود را تطبیق بدهیم.

ما راجع به گناه دروغگویی صحبت می‌کنیم؛ پدیده‌ای که متأسفانه در جامعه و میان انسان‌ها وجود دارد، خانمان‌سوز است و عواقب بسیار بدی دارد.

ما امشب می‌خواهیم جملاتی از زبان استاد و کارشناس محترم برنامه، محقق، پژوهشگر و مدرس؛ آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز یاد بگیریم که در خدمتشان در استودیو هستیم.

استاد وقتی راجع به دروغ صحبت می‌کنیم می‌توانیم فروعات بسیاری به این موضوع بزنیم. یکی از عوارضی که مردم از آن فرار می‌کنند «بی‌اعتمادی» است.

زمانی که مردم می‌فهمند کسی دروغگو است به او اعتماد نمی‌کنند و از او دور می‌شوند و شخص دروغگو از منظر مردم خوار و ذلیل می‌شود. استاد قدری راجع به این خصوص به ما توضیح دهید.

وقتی دروغگو در جامعه خوار و ذلیل می‌شود!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به نکته زیبایی اشاره فرمودید. ما در گذشته هم توضیحات اجمالی پیرامون این موضوع از دیدگاه امیرالمؤمنین بیان کردیم. روایات متعددی از امیرالمؤمنین بیان شده مبنی بر اینکه شخص دروغگو در جامعه جایگاهی ندارد. آن بزرگوار در روایتی فرمودند:

«الْكُذَّابُ وَ الْمَيْتُ سَوَاءٌ»

انسان دروغگو با مرده یکسان است.

«فَإِنَّ [لَأَنَّ] فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيْتِ الثَّقَّةِ بِهِ»

فضیلت انسان زنده بر مرده این است که مردم به گفتار شخص زنده اعتماد دارند، اما اگر حرفی از دهان مرده‌ای بیرون بیاید مردم به حرف او اعتماد نمی‌کنند.

«فَإِذَا لَمْ يُوْتَقِ بِكَلَامِهِ [فَقَدْ] بَطَلَتْ حَيَاتُهُ»

زمانی که حرف کسی خریدار نداشته باشد و مردم به حرف او اعتماد نداشته باشند خط بطلان بر زندگی او خورده است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۶

به فرمایش امیرالمؤمنین انسان دروغگو گویا مُرده‌ای است که هیچ خاصیتی ندارد و مردم هم به او اعتمادی ندارند. آن بزرگوار در روایت دیگری می‌فرماید:

«مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ لَمْ يَصْدُقْ»

اگر کسی زیاد دروغ بگوید مردم به او اعتماد نمی‌کنند.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۸

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ لَمْ يَقْبَلْ صَدَقَهُ»

اگر فرد دروغگو حرف راست هم بزند مردم حرف او را قبول نمی‌کنند.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۰

واضح و روشن است ارزش انسان به گفتار او و اعتمادی است که مردم به او دارند. زمانی که فردی با دروغ گفتن اعتماد خود را در جامعه و نزد خانواده خود زیر سؤال ببرد دیگر کسی برای او ارزشی قائل نیست. به عبارت دیگر این شخص همانند میت متحرک است.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در روایت دیگری می‌فرماید:

«الْكَاذِبُ مُهَانٌ ذَلِيلٌ»

دروغگو در جامعه خار و ذلیل است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۳

در حقیقت مردم به فرد دروغگو با نظر تحقیر نگاه می‌کنند. در روایت دیگری وارد شده است:

«الْكَاذِبُ مَهَانَةٌ وَ خِيَانَةٌ»

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۴

امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرماید:

«الْكَاذِبُ عَلَى شَفَا مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٌ»

دروغگو همواره در پرتگاه ذلت و خواری است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۷

این تعابیر، تعابیر بسیار زیبایی است. در روایت دیگری وارد شده است:

«الْكَذِبُ يَزِدِّي مُصَاحِبَهُ

دروغ صاحب خود را به ته دره می‌اندازد.

«وَ يُنْجِي مُجَانِيَهُ»

کسی که از دروغ اجتناب کند همواره در ساحل نجات است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۸

آن بزرگوار در روایت دیگری می‌فرماید:

«الْكَذِبُ فِي الْعَاجِلَةِ عَارٌ وَ فِي الْآخِرَةِ [الْآخِرَةِ] عَذَابُ النَّارِ»

دروغ گفتن در دنیا مایه ننگ و در آخرت مایه عذاب و آتش جهنم است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۹۹

به عبارت دیگر دروغ در دنیا برای صاحب خود عار و ننگ به بار می‌آورد و در آخرت مقدمات گرفتاری در آتش

جهنم را برای انسان فراهم می‌کند.

مجری:

استاد چطور می‌توانیم خواری و ذلت را ترجمه کنیم؟! زیرا معنای کلی دارد. گاهی اوقات افرادی می‌گویند اطراف ما افراد دروغگویی هستند که سرمایه‌دار هستند و مال فراوانی هم دارند. دروغ خواری اجتماعی، ذلت اقتصادی یا سیاسی؛ کدام صحیح است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: خاصیت قسم دروغ خوردن این است که انسان به فقر می‌افتد. به علاوه ممکن است شخص ثروتمندی باشد، اما همسر و فرزندان او و همسایه به حرف او اعتماد ندارند.

چنین شخصی وقتی حتی زمانی که در مورد کیفیت کالایی که می‌فروشد به مردم راست می‌گوید مردم به او اعتماد نمی‌کنند. این شخص زمانی که برای نماز خواندن به مسجد می‌آید مردم می‌پندارند که نماز او هم دروغ است.

این شخص ولو ثروتمند هم باشد، اما به دلیل اینکه دروغ می‌گوید و کسی به او اعتماد ندارد زمانی که مردم به این شخص نگاه می‌کنند به چشم انسان دروغگو او را می‌بینند.

چنین شخصی به مردم می‌گوید: "فلان کار را انجام می‌دهم"، مردم حرف او را دروغ می‌پندارند. وقتی که او می‌گوید: "فلان کار را انجام دادم یا در آینده انجام خواهم داد" مردم باز هم حرف او را دروغ می‌پندارند.

زمانی که این شخص دروغ می‌گوید مردم با نظر کوچک، تحقیر و خواری به او نگاه می‌کنند. بنابراین خواری این شخص ارتباطی به ثروت، مقام و امکانات او ندارد. افراد زیادی هستند که ثروت دارند، اما هیچ آبرویی در جامعه ندارند و ثروت او وبال گردن او شده است.

چند سال پیش یکی از ثروتمندان امارات که دومین یا سومین ثروتمند خاورمیانه محسوب می‌شد انسانی بود که با ثروت خود هیچ کار خیری انجام نداد. این شخص هیچ مدرسه‌ای، مکان خیریه یا بیمارستانی برای مردم نساخت.

روزی در اخبار مشاهده کردیم که گفتند کشتی او غرق شد و چند نفر درون کشتی او جان باختند. این شخص به دلیل اینکه از محاکمه و دادگاه فرار کند از ساحل به بیابان فرار کرده بود و همانجا در بیابان جان باخت و جنازه او را بعد از چند روز پیدا کردند.

ثروت و اموال این شخص چه شد؟! بخش اعظمی از ثروت او توسط دولت مصادره شد و همچنین وراثت بخش دیگری را تصرف کردند و کاری هم به او ندارند، اما این شخص در عالم برزخ گرفتار است و فردای قیامت باید جوابگو باشد.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«فی حلال الدنيا حساب و فی حرامها عقاب»

روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق /

مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتیاردی علی پناه، ج ۱۳، ص ۲۸۲

شخص در برابر مال حلال خود در آخرت مورد محاسبه قرار می‌گیرد که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است. طبق فرموده قرآن کریم:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ)

پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می‌بیند.

(وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

سوره زلزله (۹۹): آیه ۷

در روایت وارد شده است اگر امکان پذیر بود که خداوند عالم به کمتر از مثقال ذره مثال بزنند، مثال می‌زدند.

نقل شده است حضرت عیسی با حواریون از کنار قبرستانی عبور می‌کردند. حواریون عرض کردند: یا نبی الله! صاحب این قبر را زنده کنید تا ما ببینیم عالم برزخ برای او به چه صورتی گذشته است.

حضرت عیسی به اذن الهی این شخص را زنده کردند و از او پرسیدند: در چه حال هستی؟! میت گفت: بیچاره هستم. الان حدود چندین دهه است که از دنیا رفتم، اما تاکنون گرفتار عذاب هستم.

حضرت عیسی پرسید: آیا تو حاکمی ظالم و ستمگر بودی؟! میت گفت: نه، من حامل بودم. روزی باری از چوب حمل می‌کردم و به دلیل اینکه تازه غذا خورده بودم و غذا لای دندانم گیر کرده بود. من تکه‌ای از چوب‌هایی که حمل می‌کردم را برداشتم و دندان خود را خلال کردم.

زمانی که از دنیا رفتم، دائماً از من سؤال می‌شود چرا آن تکه چوب را از بارهای خود برداشتی بدون اینکه از صاحب آن اجازه بگیری!!

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) به همین معناست. بنده بارها گفتم مرحوم «مقدس اردبیلی» (رضوان الله تعالی علیه) که یکی از مراجع بزرگ تقلید است و به کرات خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) مشرف شدند، الاغی اجازه می‌کنند که از نجف به سوی کربلا بیایند.

زمانی که ایشان قصد بازگشت به نجف داشتند، شخصی نامه‌ای به ایشان می‌دهد و تقاضا می‌کند که این نامه را به فلان دوستم در نجف برسانید.

اطرافیان موقع برگشت مشاهده می‌کنند که «مقدس اردبیلی» سوار الاغ نمی‌شود. زمانی که علت این کار را از ایشان می‌پرسند، می‌گوید: من این الاغ را برای خودم اجاره کرده بودم و از صاحب آن اجازه نگرفتم و نمی‌دانم راضی است یا نه که این پاکت را با خود حمل کنم!!

مرحوم «مقدس اردبیلی» به همین خاطر پیاده از کربلا به نجف بازگشتند. کسانی که به مسائل حلال و حرام دقت می‌کنند، این چنین هستند.

مجری:

استاد حال که بحث «ذره» را مطرح فرمودید، شاید سؤالی به ذهن آقا یا خانمی که الآن تصویر ما را می‌بینند برسد. افرادی هستند که در کارهای مهم، جدی و بزرگ دروغ نمی‌گویند و کارهای خود را به درستی انجام می‌دهند، اما در کارهای جزئی همانند همین مثالی که بیان کردید به وفور دروغ می‌گویند. چنین دروغ گفتن‌هایی چه مشکلات و عوارضی می‌تواند متوجه انسان کند؟!

لزوم اجتناب از دروغ، حتی دروغ کوچک!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به نکته زیبایی اشاره فرمودید. در سخنان رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و ائمه طاهریں (علیهم السلام) وارد شده است. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که امام سجاد (علیه السلام) به فرزندان خود می‌فرمودند:

«اتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَ هَزْلٍ»

از دروغ کوچک و بزرگ اجتناب کنید، خواه جدی باشد یا شوخی.

«فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ»

زمانی که شخصی در کار کوچک دروغ گفت عادت می‌کند و در کارهای بزرگ هم دروغ می‌گوید.

همان‌طور که می‌گویند: "تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود!!" کسی که در کارهای کوچک دروغ می‌گوید، قطعاً عادت می‌کند تا در کارهای بزرگ هم دروغ بگوید.

«أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَضُدُّ حَتَّى يَكْتَبَهُ اللَّهُ صَدِيقًا»

رسول الله فرمودند: یک بنده همواره راست می‌گوید تا خداوند عالم او را صدیق خطاب کند.

«وَمَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَكْذِبُ حَتَّى يَكْتَبَهُ اللَّهُ كَذَابًا»

بنده دیگری همواره دروغ می‌گوید تا خداوند عالم او را دروغگو خطاب کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۳۵، ح ۲

روایتی از امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) وارد شده است که فرمودند:

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى صَعْرِ الذَّنْبِ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَنْ اجْتَرَأْتُمْ»

به کوچکی گناه نگاه نکنید، بلکه عظمت خدایی را مشاهده کنید که او را معصیت می‌کنید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۴،

ص ۱۶۸، ح ۶

به عبارت بهتر شخص با همین دروغ کوچک با خداوند عالم مخالفت می‌کند. دوستان عزیز به تعبیر یکی از

مراجع عظام تقلید مشکل اساسی که سبب می‌شود ما گناه کنیم، دروغ بگوییم، غیبت کنیم، بهتان بزنیم، حرام

می‌خوریم و به نماز بی‌توجهیم، ضعف ایمان است!!

قرآن کریم می‌فرماید:

(أَلَمْ يَغْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى)

آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟!

سوره علق (۹۶): آیه ۱۴

به تعبیر استاد «شاه آبادی» استاد حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) تلاش کنیم خودمان را عین حضور خداوند متعال و عین ربط خداوند عالم بدانیم.

ایشان مثال می‌زدند و می‌گفتند: بر فرض شما صورت پدرتان را در ذهن خود تصور می‌کنید. قیافه پدر هم مخلوق شماست به طوری که عین حضور و عین ربط شماست. اگر یک لحظه از صور ذهنی غفلت کنید دیگر صور ذهنی در ذهن شما نیست.

اگر ما تلاش کنیم عالم را محضر خدا بدانیم و احساس کنیم وقتی که حرف می‌زنیم در محضر خداوند هستیم دیگر گناه نخواهیم کرد.

به تعبیر یکی از بزرگان شما به خاطر احترامی که برای یک بچه چهار ساله قائل هستید آیا حاضرید جلوی او لخت شوید یا کار خلاف انجام دهید؟! اگر برای خداوند عالم به اندازه بچه چهار ساله احترام بگذاریم دیگر گناه نخواهیم کرد.

همان‌طور که ما دقت می‌کنیم تا جلوی یک بچه چهار ساله کار خلاف انجام ندهیم، به همان اندازه خداوند عالم را ناظر و شاهد خود بدانیم که در محضر او گناه نکنیم و با خداوند عالم مخالفت نکنیم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما سپاسگذارم. ما راجع به پدیده‌ای ناهنجار و رذیله‌ای اخلاقی به نام دروغ‌گویی با نگاه به اخلاق علوی و گزاره‌های دینی که از زبان معصومین به ویژه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به دست ما رسیده است صحبت می‌کنیم.

عزیزانی که ما را همراهی می‌کنید شبتان بخیر باشد. الآن ساعت ۹:۴۵ دقیقه شب هست و ما تا حدود ساعت ۱۰:۳۰ به وقتن ایران در خدمت شما هستیم و گفتگو می‌کنیم.

استاد شاید اگر الآن از یک نوجوان، پیرمرد، کارمند، باسواد یا بی‌سواد، فقیر، پولدار، دروغگو یا راستگو پرسیم: آیا می‌دانی خدا تو را می‌بیند؟! او می‌گوید: بله می‌بیند. از او می‌پرسیم: خدا صدای تو را می‌شنود؟! او می‌گوید: بله می‌شنود.

این شخص با اینکه معتقد است خداوند او را می‌بیند، اما بازهم دروغ می‌گوید. چنین شخصی حسی که نسبت به یک بچه چهار ساله دارد، به خداوند متعال ندارد.

وقتی از این شخص علت دروغ‌گویی او را می‌پرسیم، می‌گویند: "خداوند متعال عطف است، از مادر مهربان‌تر است و ما را می‌بخشد"؛ شاید علت اصلی بعضی از دروغ‌ها همین مسئله باشد. چه پاسخی باید به این انسان‌ها بدهیم؟!

«دروغ‌گویی»، و امید داشتن به عفو الهی؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً درست است که خداوند متعال غفار است و می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

سوره زمر (۳۹): آیه ۵۳

بخشش خداوند متعال شرط و شروطی دارد. اولین شرط بخشش انسان این است که انسان تصمیم به ترک گناه بگیرد. کسی که دائماً گناه می‌کند و امید به بخشش خداوند دارد قطعاً از دایره وعده مغفرت خارج است. شخصی نزد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرض کرد: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». امیرالمؤمنین به او فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، مگر استغفار کردن به این سادگی است!!

آن حضرت در ادامه شروع کردند و شرایط استغفار کردن را توضیح دادند. یکی از شرایط استغفار این است که انسان از کاری که در گذشته کرده پشیمان شود. دومین شرط استغفار این است که انسان تصمیم بگیرد بعد از این دیگر این کار را انجام ندهد.

سومین شرط از شرایط استغفار این است که اگر چنانچه انسان گرفتار حق الناس شده باید حق الناس را پرداخت کند. اگر پولی از مردم به گردن این شخص است، اگر وجوهات خود را پرداخت نکرده و یا اگر نماز یا روزه قضایی دارد باید این اعمال را جبران کند.

چنین نیست که تنها امید به رحمانیت و رحیمیت خداوند متعال داشته باشیم. چه بسا خداوند عالم به بنده‌ای فرصت گناه کردن می‌دهد و پرده از عیوب او می‌پوشاند. کار به جایی می‌رسد که این بنده به قدری گناه می‌کند که خداوند متعال می‌فرماید: به عزت و جلالم دیگر تو را نخواهم بخشید.

روایتی از امیرالمؤمنین وارد شده است که حضرت می‌فرماید: چه بسا یک بنده به خاطر یک گناه صد سال در آتش جهنم عذاب و شکنجه می‌شود؛ درحالی‌که می‌بیند زن و فرزند و والدین و برادران و خواهران او در بهشت مشغول خوشگذرانی هستند.

«بابا طاهر» می‌گوید:

هنی (لا تقنطوا) خوانی عزیزم

مگر (یا ویلتا) ناخواندنی بی

خداوند متعال در قرآن کریم از یک طرف می‌فرماید:

(لا تَقْنُطُوا مِنَ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً)

اما در عین حال می‌فرمایند:

(يا وَيْلَتْنَا ما لِهَذَا الْكِتَابِ لا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لا كَبِيرَةً إِلَّا اُحْصَاهَا وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لا يَظْلِمُ رُبُّكَ
أَحَدًا)

ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را شماره کرده است؟ و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند، و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند.

سوره کهف (۱۸): آیه ۴۹

بنابراین این فرهنگ، فرهنگ علوی نیست. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با آن عظمت که معصوم مطلق هستند، می‌فرماید: خدایا اگر فردای قیامت دستور بدهی فرزند ابوطالب به طرف آتش جهنم برود چه کسی است که بر تو اعتراض کند.

«يا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ»

ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من اگر بر عذاب تو صبر کردم، بر دوری تو چگونه صبر کنم.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۶۳، الفصل الرابع فی بیان أعمال الأيام البيض من شهر شعبان

دقت کنید سیره رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) به چه صورت بوده است.

همچنین از یکی از همسران پیغمبر اکرم نقل شده که رسول الله یک شب منزل ایشان مهمان بودند. نیمه‌های

شب وقتی که ایشان بیدار شدند متوجه شدند که پیغمبر اکرم در بستر نیستند.

ایشان می‌گویند: ابتدا خیال کردم که شاید پیغمبر اکرم به منزل همسران دیگر خود رفته است، اما زمانی که

جستجو کردم دیدم صدای ناله‌ای از پشت بام می‌آید. وقتی به بالای بام رفتم، دیدم رسول اکرم صورت خود را

روی خاک گذاشته و گریه می‌کند.

رسول گرامی اسلام همانند مار گزیده به خود می‌پیچد و همانند مادر فرزند از دست داده اشک می‌ریزد به

طوری که اشک آن بزرگوار از کاهگل پشت بام جاری است و دائماً می‌گویند:

«اللَّهُمَّ وَ لَا تَكْلُنِي إِلَيَّ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

خدایا من را در یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار.

تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۲، ص ۷۵،

باب ۲۱ سورة الأنبياء مكية و آياتها مائة و اثنتا عشرة ۱۱۲

زمانی که دعای حضرت تمام شد، عرض کردم: یا رسول الله! زمانی که شما این‌طور عبادت می‌کنید ما چکار کنیم؟!

پیغمبر اکرم در جواب فرمودند: خداوند عالم برادرم یونس را به اندازه یک چشم به هم زدن به خود وا گذاشت و او سر از شکم ماهی درآورد. این در حالی بود که خداوند متعال در مورد حضرت یونس فرمودند:

(فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق ملامت بود! و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

درست است که خداوند متعال بخشنده است، اما بخشش او مختص کسی است که در خانه پروردگار برود.

مجری:

استاد از شما ممنون و سپاسگذارم. آقایان و خانم‌های محترم شاید وقتی بحث دروغ مطرح می‌شود پدیده‌ای به ذهن شما بیاید و شما هم آن را شنیده باشید که از آن به دروغ مصلحتی تعبیر می‌کنند و ادعا می‌کنند دروغ مصلحتی گناهی ندارد و جایز است.

اینکه دروغ مصلحتی چیست، جایز هست یا نیست، چه زمانی باید گفته شود، چه کسانی می‌توانند دروغ مصلحتی بگویند و چنین شخصی باید چه شرایطی داشته باشد سؤال است که در این بخش می‌خواهم از استاد عزیز خودم استاد قزوینی بپرسم.

آیا دروغ جهت شوخی و خنداندن دیگران جایز است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده قبل از اینکه این سؤال حضرتعالی را پاسخ بدهم، نسبت به سؤال قبل باید بگویم افرادی هستند که می‌خواهند شوخی کنند و مردم را بخندانند.

این افراد دروغ‌هایی کنار هم می‌گذارند و مردم را می‌خدانند و زمانی که علت این حرفشان را از آنها می‌پرسیم ادعا می‌کنند که شوخی کردم!

دقت داشته باشید این اخلاق یکی از بیماری‌هایی است که بعضی از افراد جامعه گرفتار آن هستند؛ حتی بعضی از افراد متدین ما هم ادعا می‌کنند دروغی که برای شوخی بیان می‌کنید هیچ اشکالی ندارد.

نقل شده است روزی «اصبغ بن نباته» از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خدمت حضرت می‌رسد و آن بزرگوار می‌فرماید:

«لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكُذِبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً»

بنده مزه ایمان را نمی‌چشد مگر اینکه دروغ را چه شوخی و چه جدی ترک کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۴۹، ح ۱۴

دقت داشته باشید که دروغ شوخی باعث می‌شود بنده مؤمن لذت ایمان را نچشد. این شخص زمانی که نماز می‌خواند تنها این کار را از سر رفع تکلیف انجام می‌دهد و اصلاً نمی‌داند با چه کسی صحبت می‌کند.

در روایت وارد شده است که خداوند متعال اولین عذابی که دنیا پرستان را گرفتار آن می‌کند این است که لذت مناجات را از قلب آنها برمی‌دارد. ما گرفتار و معذب هستیم، اما خودمان آگاه نیستیم.

در روایت دیگری وارد شده است که «حارث اعور» می‌گوید خدمت امیرالمؤمنین رسیدم و آن حضرت فرمودند:

«لَا يَضُلُّكَ مِنَ الْكُذْبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ»

دروغ به جدی یا شوخی برای مؤمن صلاحیت ندارد.

«وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيهًا [صَبِيهًا] ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ»

اگر می‌دانید درخواست فرزند خود را برآورده نمی‌کنید به او وعده دروغ ندهید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۵۹، ح ۲۴

مجری:

این روایت به این معناست که در همین حد که می‌خواهید سروصدای فرزندتان کم شود به او وعده چیزی می‌دهید هم به او دروغ نگویید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همین اندازه دروغ گفتن هم در اخلاق علوی جایی ندارد. حال اگر فرزندتان تقاضای بزرگی از شما دارد به او بگویید که تقاضای او را عملی نمی‌کنید، اما چیز دیگری برای او تهیه می‌کنید.

شما حداقل می‌توانید خوراکی یا اسباب بازی کوچکی برای او تهیه کنید که فرزندتان احساس کنید وقتی به او قول دادید سر حرف خودتان هستید، هرچند خواسته قلبی او را برآورده نکردید.

«وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيهًا [صَبِيهًا] ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ»

زمانی که فرزند شما از شما درخواست می‌کند که او را به پارک ببرید و شما هم وعده می‌دهید، اما به وعده خود عمل نمی‌کنید او احساس می‌کند که دروغ گفتن چندان هم بد نیست. فرزند شما احساس می‌کند که اگر دروغ بد بود پدرم دروغ نمی‌گفت!!

پدر و مادر باید با سیره خودشان فرزندان را علوی تربیت کنند. زمانی که پدر به راحتی در محیط خانه دروغ می‌گوید زمانی که فرزند بزرگ می‌شود با این منطق و تربیت بزرگ می‌شود.

«إِنَّ الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ»

دروغ گفتن مایه فساد است و فساد انسان را به آتش جهنم می‌کشاند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۵۹، ح ۲۴

همچنین از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که حضرت می‌فرمایند:

«لَا يَسْتَكْمِلُ الْمَرْءُ الْإِيمَانَ حَتَّىٰ يَجِبَ لِأَخِيهِ مَا يَجِبُ لِنَفْسِهِ وَ حَتَّىٰ يَجْتَنِبَ الْكُذِبَ فِي مِرَاجِهِ»

ایمان انسان کامل نمی‌شود مگر اینکه هرچه برای خود دوست دارد برای برادر خود هم دوست داشته باشد و دروغ را کنار بگذارد، هرچند به شوخی دروغ می‌گوید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۵۷، ح ۲۰

روایت دیگری از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است که حضرت می‌فرمایند: دروغ گفتن به شوخی یا جدی برای مؤمن صلاح نیست، حتی تلاش کنید به فرزند خود هم دروغ گفتن یاد ندهید.

نبی گرامی اسلام وصیتی به «ابوذر» می‌فرمایند که روایت بسیار مفصلی دارد. حضرت در بخشی از این روایت می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِّلَّذِي يَخْدُتُ وَ يَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِه الْقَوْمُ»

وای به حال کسی که سخنان دروغی می‌گوید تا بدان وسیله مردم را بخنداند.

«وَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ»

وای بر او، وای بر او، وای بر او.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن اُبی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۱، ص ۱۱۴، باب الکذب

مجری:

استاد گفته شده خوب است که انسان بشاش و خنده‌رو باشد و دیگران را بخنداند و حتی به این کار سفارش هم شده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید لازمه خنداندن دیگران این نیست که من دروغ بگویم تا دیگری بخندد. روزی پیغمبر اکرم با امیرالمؤمنین مشغول خوردن خرما بودند. پیغمبر اکرم هرچه خرما می‌خوردند هسته آن را جلوی امیرالمؤمنین می‌گذاشتند و سپس فرمودند: یا علی! چقدر خرما خوردی؟!

امیرالمؤمنین در جواب فرمودند: یا رسول الله! شما چقدر گرسنه بودی که هیچ هسته‌ای به جای نگذاشتی!!

مشاهده کنید انسان می‌تواند با واقعیت شوخی کند و دیگران را بخنداند. ما در گذشته راجع به خوشحال کردن دیگران صحبت کردیم و بیان کردیم که این کار پاداشی دارد که کمترین عملی چنین پاداشی دارد؛ اما نه به قیمت اینکه به خاطر خوشحالی دیگران دروغ بگوییم.

افراد دیگری هم هستند که دائماً شمالی‌ها، لرها، ترک‌ها، کاشانی‌ها و اصفهانی‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند و آن‌ها را مسخره می‌کنند. گرچه این افراد به صورت کلی بیان می‌کنند، اما همین اندازه هم نهی شده است.

سفارش شده که اگر می‌خواهید در مورد شهر یا قبیله‌ای جوک بسازید، پسوند کافر هم به آن اضافه کنید. به عنوان مثال بگویید: "اصفهانی کافر" یا "ترک کافر" یا "شمالی کافر".

نقل شده که «سید حسن خمینی» نوه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) همیشه برای امام جوک تعریف می‌کردند و همیشه در جوک‌های خودشان مردم شهرها را مثال می‌زدند.

امام خمینی به ایشان گوشزد کرده بودند که انتهای اسامی کشورها پسوند کافر اضافه کنید، زیرا غیبت گفتن شخص کافر اشکالی ندارد.

روزی به امام خمینی می‌گویند که من جوک جدیدی در مورد امام جمعه کافری دارم. امام خمینی خندیدند و به ایشان گفتند که امام جمعه کافر نمی‌شود!!

گاهی اوقات بیان کردن این مطالب هرچند به صورت کلی اما اگر به جهت ایضاع دیگران باشد خلاف شرع است. ما باید تلاش کنیم زندگیمان زندگی علوی باشد، اخلاقمان اخلاق علوی باشد و سیره ما سیره علوی باشد.

ما باید مشاهده کنیم که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چطور شوخی می‌کردند. یکی از عیوباتی که بنی امیه به امیرالمؤمنین بستند و به همین اتهام هم خلافت را از آن بزرگوار غصب کردند این بود که می‌گفتند: "علی

بن ابی طالب زیاد شوخی می‌کند!!"

به صورت کلی شوخی کردن خوب است، اما باید به طوری باشد که دروغ، ایضاً، افترا و توهین در آن وجود نداشته باشد.

پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين (عليهم السلام) هم همیشه عبوس نبودند، بلکه شوخی‌های مشروع زیادی داشتند. بنابراین رسول گرامی می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِلَّذِي يَخْدُثُ وَ يَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمُ»

وای به حال کسی که سخنان دروغی می‌گوید تا بدان وسیله مردم را بخنداند.

بنابراین امشب از محضر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درس بگیریم که دروغ کوچک، دروغ بزرگ، دروغ شوخی، دروغ جدی و همچنین دروغ برای خندانن مردم نگوئیم!

مجری:

استاد از شما سپاسگذارم. خانم‌ها و آقایان شب شما بخیر باشد؛ با شما از «شبکه جهانی ولایت» همراه هستیم و برنامه زنده «اخلاق علوی» را با حضور آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز تقدیم حضور شما می‌کنیم.

ساعت تقریباً ۱۰ شب به وقت تهران است و هنوز تا انتهای برنامه فرصت داریم. سری به اتاق فرمان می‌زنیم و چند دقیقه تنفس داشته باشیم و بازهم برمی‌گردیم. بعد از شنیدن میان برنامه مباحث را ادامه دهیم و توضیحاتی پیرامون دروغ مصلحتی خواهید شنید.

جانم فدای نام زیبایی یا علی که ذکر تو عبادت است، نام تو عبادت است، خواندن الفاظی که از دهان مبارک شما بیرون آمده عبادت است.

مزین کردن زندگی خودمان به اخلاق علوی افتخاری برای انسانیت و بشریت است. ما افتخار می‌کنیم که از پیروان شما هستیم؛ ان شاء الله خداوند متعال توفیق عمل بیشتر هم به ما عنایت کند.

آقایان و خانمها شبستان بخیر باشد؛ هنوز هم با برنامه «اخلاق علوی» به صورت زنده از «شبکه جهانی ولایت» با حضور محقق، پژوهشگر و استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر حسینی قزوینی در کنارتان هستیم.

ما در این برنامه بحث دروغ، دروغگویی و آنچه پیرامون این پدیده ناهنجار مطرح می‌شود را بررسی می‌کنیم. ما تا اینجا نکات خوبی یاد گرفتیم و همچنین قول دادیم که بحث دروغ مصلحتی هم صحبت کنیم.

امروزه در فضای مجازی یا فضای واقعی به وفور با این مسئله مواجه می‌شویم. استاد داستان دروغ مصلحتی چیست که عده‌ای آن را به کار می‌برند، عده‌ای آن را به کار نمی‌برند و عده بسیاری هم دوست دارند مسائل خود را با دروغ مصلحتی حل کنند.

جایگاه دروغ مصلحتی در سیره حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در زمینه دروغ مصلحتی هم اگر اجازه بدهید به سراغ «اخلاق علوی» برویم. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وصیتی کردند. این روایت که توسط امام باقر (علیه السلام) نقل شده چنین است:

«يا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ»

یا علی! خداوند عزوجل، دروغی را که باعث صلح و آشتی شود دوست دارد.

به عنوان مثال زن و شوهری با هم اختلاف دارند و کار به جدایی و متلاشی شدن خانواده می‌کشد. در این میان شخصی با مرد صحبت می‌کند و او شروع به صحبت کردن علیه همسرش می‌کند، اما این شخص برای ایجاد سازش میان آنها حرف‌های دیگری می‌گوید.

این شخص زمانی که نزد همسر این مرد می‌رود به دروغ می‌گوید که شوهرت از تو تعریف و تمجید کرد و تو را دوست دارد.

همچنین زمانی که زن علیه شوهر خود حرف می‌زند این شخص نزد شوهر او می‌رود و می‌گوید همسرت به تو علاقه دارد. به ظاهر همسرت نگاه نکن، زیرا من احساس کردم تمام وجودش محبت توست. این شخص حرف‌های دروغ میان این زن و شوهر رد و بدل می‌کند تا سبب آشتی این دو نفر شود.

همچنین اگر دو برادر یا دو مسلمان با هم اختلاف دارند و می‌خواهید آن‌ها را با هم آشتی دهید می‌توانید به دروغ حرف‌های خوبی از زبان آن‌ها برای یکدیگرشان بزنید.

پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین می‌فرماید: یا علی! اگر هدف تو اصلاح میان دو مسلمان و دو مؤمن است و در این راه دروغ بگویند نه تنها گناه نیست، بلکه خداوند این دروغ را دوست دارد. اصلاح ذات‌البین مرضی خداوند عالم است!

«وَأَبْغَضَ الصُّدُقَ فِي الْفَسَادِ إِلَى أَنْ قَالَ»

خداوند از راستی که باعث فتنه شود بیزار است.

«يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكُذِبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ»

یا علی! خداوند دروغ گفتن را در سه حالت دوست دارد؛ خدعه کردن در جنگ.

به عنوان مثال در جنگ‌ها افرادی هستند که در میان ارتش به جاسوسی می‌پردازند. اگر چنین افرادی از شما زمان عملیات را پرسیدند، به دروغ به آن‌ها بگویند که عملیات به تأخیر افتاده است. به عبارت دیگر دروغ گفتن در مسائل جنگی اشکالی ندارد.

«وَعِدَّتْكَ زُوجَتُكَ»

وعده دادن به همسر.

اگر همسر شخصی درخواست‌های نامعقولی از شما دارد، می‌توانید به دروغ بگویید که خواسته‌هایش را عملی خواهید کرد. البته چنین نباشد که هیچکدام از قول‌های خود را عملی نکنید و دائماً وعده دروغ بدهید.

به عنوان مثال اگر همسر شما ده مورد خواسته دارد، می‌توانید به یک یا دو مورد آن عمل کنید تا دل او را به دست آورید؛ سپس با او صحبت کنید که وقتی اوضاع مالی بهتری داشتید خواسته‌های دیگرش را برآورده می‌کنید.

البته نباید چنین باشد که همسر انسان احساس کند تمام وعده‌های شوهرش دروغ و توخالی است.

«وَالْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ»

و اصلاح بین مردم.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم

السلام، ج ۱۲، ص ۲۵۲، ح ۱۶۲۲۹

سپس جایی که خداوند عالم دروغ گفتن را دوست دارد و به آن توصیه می‌کند جایی است که انسان می‌خواهد میان دو نفر را آشتی دهد. امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُصْلِحَ لَيْسَ بِكَذَّابٍ»

کسی که میان افراد متنازع (به دروغ) آشتی بدهد دروغگو نیست.

«إِنَّمَا هُوَ الصُّلْحُ لَيْسَ بِكَذِبٍ»

این عمل او تنها اصلاح است دروغ نیست!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۳،

ص ۴۸، ح ۱۲

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَنَّه قَالَ لَهُ أْبْلِغْ أَصْحَابِي كَذَا وَ كَذَا وَ أْبْلِغْهُمْ كَذَا وَ كَذَا»

به اصحابم از قول من چنین بگوئید و چنین مطالبی را به آنها ابلاغ کنید.

«قَالَ قُلْتُ فَإِنِّي لَا أَحْفَظُ هَذَا فَأَقُولُ مَا حَفِظْتُ وَ لَمْ أَحْفَظْ أَحْسَنَ مَا يَخْضُرُنِي»

راوی می‌گوید: یابن رسول الله! من این مطالب در خاطر من نمی‌ماند، جمله کوتاهی بگوئید که در ذهن

من بماند.

«قَالَ نَعَمْ الْمُضْلِحُ لَيْسَ بِكَذَّابٍ»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بله کسی که میان افراد متنازع (به دروغ) آشتی بدهد دروغگو

نیست.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم

السلام، ج ۱۲، ص ۲۵۵، ح ۱۶۲۳۷

در روایت دیگری وارد شده است:

«الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ صِدْقٌ وَ كَذِبٌ وَ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ»

سخن سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح میان مردم.

انسان در زمانی واقعاً راست می‌گوید، زمانی ممکن است شخصی در کار عمومی دروغ بگوید، همچنین ممکن است شخصی میان چند نفر آشتی برقرار کند.

«قَالَ قِيلَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ»

به آن حضرت عرض شد: جانم فدای شما، منظور از اصلاح میان مردم چیست؟

«قَالَ تَسْمَعُ مِنَ الرَّجُلِ كَلَاماً يَبْلُغُهُ فَتُخَبِتُ نَفْسُهُ فَتَقُولُ سَمِعْتُ مِنْ فُلَانٍ قَالَ فَبِكَ مِنَ الْخَيْرِ كَذَا وَ كَذَا خِلَافَ مَا سَمِعْتَ مِنْهُ»

حضرت فرمودند: از کسی سخنی درباره دیگری می‌شنوی که اگر سخن به گوش او برسد، ناراحت می‌شود. پس تو آن دیگری را می‌بینی و بر خلاف آنچه شنیده‌ای، به او می‌گویی: از فلانی شنیدم که در خوبی تو چنین و چنان می‌گفت.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹، ص ۲۵۱، ح ۱۹

مجری:

حتی اگر این شخص پشت سر شخص سوم ناسزا گفت، این شخص باید برود و خوبی او را بگوید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حتی اگر این شخص پشت سر فرد غایب حرف رکیک و نادرست هم گفت، فرد میانجی نباید به طرف مقابل راست بگوید و حرف‌های شخص ثالث را به این فرد برساند و ایجاد فتنه کند، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

اگر کسی به شما پشت سر دیگری حرف تندی زد، به فرمایش امیرالمؤمنین باید به شخص سوم بگویید که این شخص از شما تعریف کرد و گفت که او انسان خوبی است، او به شما علاقه دارد و تقاضا دارد که اگر عصبانی شده شما او را ببخشید.

رد و بدل کردن چنین کلمات و عباراتی چه بسا سبب این شود که قبیله‌ای با قبیله دیگر آشتی کند و جلوی فتنه، درگیری‌ها و کشتارها گرفته شود.

امام صادق (علیه السلام) روایتی از امیرالمؤمنین در مورد حضرت یوسف نقل می‌کنند. همچنان که خداوند متعال در سوره یوسف می‌فرماید:

(أَيُّهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ)

ای اهل قافله شما سارق هستید!

سوره یوسف (۱۲): آیه ۷۰

مشخص است که حضرت یوسف قصد اصلاح دارد و می‌خواهد با این وضع برادرش را از چنگال دیگر برادران نجات دهد تا او هم به سرنوشت یوسف گرفتار نشود. همین دروغ گفتن یوسف سبب می‌شود که حضرت یعقوب پدر ایشان از کنعان به مصر بیایند. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«وَاللَّهِ مَا سَرَقُوا وَ مَا كَذَّبَ»

والله برادران دزدی نکردند و حضرت یوسف دروغ نگفت.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۲،

ص ۵۵، ح ۳۸

مشاهده کنید که در این واقعه قصد حضرت یوسف اصلاح بود، نه دروغ گفتن. همچنین در ماجرای حضرت ابراهیم زمانی که بت‌ها را شکست، از او پرسیدند:

(قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ)

(هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند) گفتند تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم؟! گفت: بلکه بزرگشان کرده باشد! از آن‌ها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند!!

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۶۲ و ۶۳

ادعای حضرت ابراهیم ظاهراً از دیدگاه ما دروغ است و بزرگ بت‌ها چنین کاری نکرده است، اما حضرت ابراهیم قصد اصلاح دارد. حضرت ابراهیم قصد دارند که بت پرستان را اصلاح کنند و آن‌ها را از شرک و بت پرستی نجات دهند.

سپس امیرالمؤمنین توضیحاتی پیرامون اقدام حضرت ابراهیم بیان می‌کنند و می‌فرمایند: آن حضرت قصد اصلاح داشتند و می‌خواستند با این کار اثبات کنند بتی که توانایی دفاع از خود را هم ندارد، آیا می‌تواند به عنوان خدا و خالق مردم باشد؟!

امیرالمؤمنین می‌فرماید: حضرت یوسف و حضرت ابراهیم که چنین نکاتی را مطرح کردند، به قصد اصلاح جامعه و مردم دوران خود بودند.

مجری:

استاد امروزه مشاهده می‌کنیم افرادی قصد اصلاح دارند، اما به سمت انسان‌هایی می‌روند که افراد خوبی هستند و تنها زمانی میانشان دعوایی ایجاد شده است.

همچنین ممکن است دو نفر دیگر باشند که با هم مشکل و گرفتاری زیادی داشته باشند. این فرد ادعا می‌کند که این افراد انسان‌های شروری هستند من به سمت آن‌ها نمی‌روم، چرا به خاطر این افراد دروغ بگویم!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده بارها گفتم هنر این است که انسان به اصلاح کردن افراد بد و شرور بپردازد. اصلاح دادن افراد خوب و عادی تکلیف است، اما هنر نیست و از هر کسی ساخته است.

اگر ما دو فرد بد را با هم صلح دادیم و همین صلح دادن باعث شد که محبت ما در قلب آن‌ها قرار بگیرد و آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کردیم چه بسا سبب می‌شود این افراد از شرارت نجات یابند.

ما تنها آشتی کردن و یا آشتی نکردن این افراد را در نظر نگیریم. زمانی که انسان با کسی میانه ندارد و فردی واسطه می‌شود، محبت این فرد در دل انسان جای می‌گیرد.

انسان اسیر محبت است؛ بعد از اینکه محبت این فرد در دل انسان جای گرفت زمانی که این فرد انسان را نصیحت می‌کند نصیحت او تأثیرگذار است.

افراد خوب با همدیگر قهر نمی‌کنند؛ مؤمن بیشتر از سه روز با برادر دینی خود قهر نمی‌کند و اگر قهر کردن آن‌ها بیش از سه روز طول کشید اعمال دینی هیچکدام مورد قبول نیست.

در ظلم کردن هر دو طرف مورد بازخواست قرار می‌گیرند؛ فرد ظالم به خاطر ظلم خود مورد بازخواست قرار می‌گیرد و فرد مظلوم ولو اینکه مظلوم بوده، اما باید با این شخص به طوری کنار می‌آید و قضیه را طوری به سازش نزدیک می‌کردند.

همان‌طور که حضرت‌عالی فرمودید چه بسا افرادی هستند که از مسائل شرعی فاصله دارند و زیاد میانه خوبی با تدین و اخلاق اسلامی ندارند.

انسان می‌تواند طرفین دعوا را با هم اصلاح و آشتی دهد و بعد از آشتی دادن آن‌ها را به یک‌پذیرایی هرچند مختصر دعوت کرد و حین‌پذیرایی کردن مطالب اخلاقی به آن‌ها بیاموزد.

چه بسا افرادی هستند که با شنیدن یک جمله از طرف مقابل تمام زندگی او تغییر می‌کند و همین جمله به نقطه عطفی در زندگی او تبدیل می‌شود.

احساس نکنیم سخنانی که به جهت ایجاد صلح و صفا از زبان ما بیرون می‌آید متعلق به خود ماست، چه بسا خداوند عالم اراده می‌کند جمله‌ای به زبان ما بیاید تا این دو نفر که از اخلاق علوی و اسلامی فاصله گرفتند را به طرف اخلاق اسلامی بکشانیم.

مجری:

انشاءالله؛ از شما ممنون و سپاسگذارم. بحث اینقدر شیرین است و جای گفتگو دارد که انسان بتواند ساعت‌ها راجع به این موضوع صحبت کند، اما زمان برنامه ما به پایان رسیده است.

همانند سایر برنامه‌ها که توفیق داریم در محضر شما باشیم چند دعا از زبان شما بشنویم و التماس دعای خیر داشته باشیم.

آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

امیدواریم ان‌شاءالله سخنان امیرالمؤمنین و اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در ما و بینندگان عزیز ما تأثیرگذار باشد.

ان شاء الله به مرحله‌ای برسیم که احساس کنیم اخلاق ما علوی است، سیره ما علوی است، زندگی ما علوی است و در محیط خانواده و زندگی و جامعه و کار خود را متخلق به اخلاق علوی کنیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی امیرالمؤمنین فرج فرزند امیرالمؤمنین حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا له الفداه) را نزدیک بگردان. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین قلب مقدس حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) را با ظهورش مسرور بگردان.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین ما را مشمول عنایات ویژه حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار بده.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین رفع گرفتاری از همه گرفتاران مخصوصاً عزیزان ما در عراق و سوریه و یمن و بحرین و پاکستان و افغانستان و دیگر بلاد اسلامی از همه آنها رفع گرفتاری بنما.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور برآورده نما. خدایا دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر حسینی قزوینی بسیار ممنون و سپاسگذارم. ما افتخار داشتیم از ساعت ۹ شب تا الآن به وقت تهران در خدمتشان باشیم و نکات نابی را از ایشان یاد گفتیم.

ما از ایشان یاد گرفتیم که حتی برای شوخی یا مزاح یا خنداندن دیگران هم دروغ نگوییم. ما متوجه شدیم که دروغ گفتن سبب بی‌اعتباری و خواری و ذلت می‌شود، اما گاهی اوقات به جهت اصلاح ذات البین و نزدیک کردن دو دل به همدیگر دروغ گفتن خوب است.

خوب است انسان به جهت اینکه دل همسر خود را به دست آورد دروغ بگوید، اما به چند مورد از وعده‌های خود عمل کند.

ما باید بسیار مراقب اخلاق و رفتار خود باشیم و از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را یک لحظه هم به خودمان واگذار نکند، زیرا معلوم نیست عاقبت ما به کجا خواهد انجامید.

از استاد قزوینی عزیز و شما بینندگان عزیزی که نگاه‌های قشنگتان را تقدیم برنامه زنده «اخلاق علوی» کردید ممنون و سپاسگذارم.

در پناه خداوند متعال، نبی مکرم اسلام، آیه آیه‌های قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشید.

التماس دعا، خدانگهدار